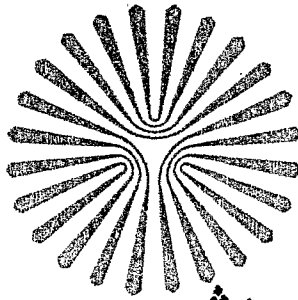


۱۰۵۳۷۱



دانشگاه شاهرخ نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان‌شناسی

عنوان پایان نامه

تأثیر گویش بابل بر روی نوشتار فارسی دانش آموزان این شهر

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان‌شناسی همگانی

مولف

مریم بابانژاد افغان

استاد راهنما

دکتر یداله پرمون

ماه و سال انتشار

ههرپور ۱۳۸۶

دانشگاه شاهرخ نور  
پایان نامه

شماره ثبت	۲
شماره مدرک	۸۹۱
شماره رکن	۸۴/۱۴۹

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه شاهرخ نور

۱ ۵ ۵ ۳ ۷ ۱

دانشکده علوم انسانی  
گروه زبانشناسی

عنوان پایان نامه

# تأثیر گویش بابل بر روی نوشتار فارسی دانش آموزان این شهر

پایان نامه :  
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته زبانشناسی همگانی

مؤلف

**مریم بابانژاد افغان**

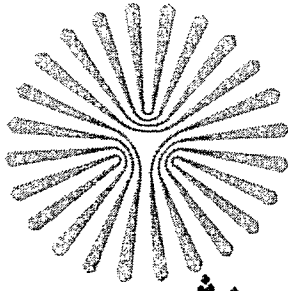
استاد راهنما

**دکتر یداله پرمون**

استاد مشاور

**دکتر بهمن زندی**

ماه و سال انتشار  
شهریور ۱۳۸۶



دانشگاه پیام نور  
پی

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان:

تاریخ دفاع: ۸۶۱۶۱۳۱

نمره:  $\frac{۱۹۱۵}{۱۰۰}$  درجه: عالی  
نزد. د. د. ن. س.

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبیه علمی
۱- استاد راهنما	دکتر عبدالله رسولی	استاد
۲- استاد مشاور	دکتر بهمن زندی	دانشیار
۳- استاد داور	دکتر بلقیس روشن	استاد
۴- نماینده گروه	دکتر بلقیس روشن	استاد

امضاء  
دکتران  
از طرف دانشجو  
دانشجو  
دانشجو

ستایش بیکران حضرت حق را که آسمان را آفرید ، وجود را آفرید و گوناگونی را  
خلق کرد و اختلاف رنگها و زبانها را از نشانه های خویش خواند برای دانایان .  
از همه استادان ارجمند دوره کارشناسی ارشد زبانشناسی دانشگاه پیام نور تهران  
، سرکار خانم دکتر روشن مدیر محترم گروه زبانشناسی ، ریاست محترم دانشکده علوم  
انسانی و کلیه کارکنان دانشگاه خاضعانه سپاسگزارم .  
از استاد راهنما جناب آقای دکتر پرمون که راهنماییهای سودمند و ارزشمند  
ایشان خالصانه و با گشاده رویی شامل حال بنده گردید ، بی نهایت سپاسگزارم .  
از استاد گرامی جناب آقای دکتر زندی که با وجود تراکم کاری به عنوان استاد مشاور  
در انجام این پژوهش مرا همراهی کرده اند ، بسیار متشکرم .  
از استاد سرکار خانم دکتر روشن که زحمت مطالعه و داوری این پژوهش را  
متقبل شدند ، بی نهایت سپاسگزارم .  
از پدر و مادر عزیزم به خاطر تشویق ها ، محبتها و بار مسؤلیت فرزندم در نبود  
من سپاس ویژه دارم و همچنین از همسر ارجمندم که دلسوزانه در طی این مسیر  
همراهیم نمودند و دختر دلبندم مهسا که نبود مادر را تحمل کرد ، صمیمانه  
سپاسگزارم .

**تقدیم بہ :**

**پدر صبور و مادر مہربانم**

## فهرست مطالب و پیوست ها

عنوان	چکیده	یازده
۱- کلیات تحقیق		۱
۱-۱- مقدمه		۱
۲-۱- بیان مسأله تحقیق		۲
۳-۱- پیش فرض های تحقیق		۲
۴-۱- پرسش های تحقیق		۲
۵-۱- فرضیه های تحقیق		۳
۶-۱- اهداف تحقیق		۳
۷-۱- موانع و محدودیت های تحقیق		۳
۸-۱- منطقه مورد بررسی		۴
۱-۸-۱- مازندران		۴
۲-۸-۱- شهرستان بابل		۴
۳-۸-۱- زبان مازندرانی		۴
۱-۳-۸-۱- تاریخچه مختصر زبان مازندرانی		۴
۲- پیشینه نظری		۷
۱-۲- ویژگی اجتماعی زبان		۷
۱-۱-۲- مقدمه		۷
۲-۱-۲- رابطه بین زبان و جامعه		۷
۳-۱-۲- جامعه شناسی زبان و زبان شناسی اجتماعی		۸
۴-۱-۲- طبقه بندی جوامع زبانی		۹
۵-۱-۲- جامعه زبانی		۹
۶-۱-۲- دوزبانگی		۱۰
۱-۶-۱-۲- دلایل یادگیری زبان دوم		۱۱
۲-۶-۱-۲- تحقیقات انجام شده در ارتباط با دوزبانگی		۱۲
۷-۱-۲- قرض گیری در زبان		۱۳
۱-۷-۱-۲- قرض گیری و انواع آن		۱۳
۲-۷-۱-۲- علل و عوامل قرض گیری		۱۵
۸-۱-۲- تداخل زبانی		۱۵
۹-۱-۲- تفاوت تداخل زبانی و قرض گیری		۱۶
۱۰-۱-۲- مرگ یا خودکشی زبان		۱۶
۲-۲- تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر زبان		۱۷
۱-۲-۲- جنسیت		۱۷
۱-۱-۲-۲- تفاوت های جنسیتی زبان		۱۷
۲-۱-۲-۲- دلایل پیدایش زبان گونه های جنسیتی		۱۷
۳-۱-۲-۲- تحقیقات انجام شده در زمینه جنسیت		۱۸
۲-۲-۲- طبقه اجتماعی		۱۹
۱-۲-۲-۲- تصحیح افراطی		۲۰
۳-۲-۲- سن		۲۱

## ۳- پیشینه تحقیقات و مطالعات

۲۲	..... ۱-۳ مقدمه
۲۲	..... ۲-۳ پژوهش های انجام شده پیرامون زبان مازندرانی
۲۲	..... ۳-۳ پژوهش های همسو با موضوع پایان نامه
	<b>۴- روش شناسی</b>
۲۵	..... ۱-۴ روش تحقیق
۲۵	..... ۲-۴ جامعه آماری
۲۵	..... ۳-۴ گروه های مورد مطالعه
۲۶	..... ۴-۴ ابزار پژوهش
۲۶	..... ۵-۴ روش تدوین بیکره
۲۶	..... ۶-۴ شناسایی و طبقه بندی تداخل های زبانی
	<b>۵- تجزیه و تحلیل داده ها</b>
۲۷	..... ۱-۵ مقدمه
۲۸	..... ۲-۵ مقطع تحصیلی
۲۸	..... ۱-۲-۵ حوزه ساختاری
۳۰	..... ۲-۲-۵ حوزه تلفظی
۳۲	..... ۳-۲-۵ حوزه واژگانی
۳۴	..... ۳-۵ جنسیت
۳۴	..... ۱-۳-۵ حوزه ساختاری
۳۶	..... ۲-۳-۵ حوزه تلفظی
۳۸	..... ۳-۳-۵ حوزه واژگانی
۴۰	..... ۴-۵ طبقه اجتماعی
۴۰	..... ۱-۴-۵ حوزه ساختاری
۴۲	..... ۲-۴-۵ حوزه تلفظی
۴۴	..... ۳-۴-۵ حوزه واژگانی
۴۶	..... ۵-۵ مقطع تحصیلی
۴۶	..... ۱-۵-۵ حوزه ساختاری
۴۸	..... ۲-۵-۵ حوزه تلفظی
۵۰	..... ۳-۵-۵ حوزه واژگانی
۵۲	..... ۶-۵ بررسی گرایشات نوشتاری
۵۲	..... ۱-۶-۵ گرایشات تلفظی
۵۷	..... ۲-۶-۵ گرایشات واژگانی
۵۹	..... ۳-۶-۵ گرایشات ساختاری
	<b>۶- خلاصه و نتیجه گیری</b>
۶۱	..... ۱-۶ خلاصه
۶۱	..... ۲-۶ نتیجه گیری
۶۳	..... کتابنامه
۶۸	..... پیوست ۱
۷۵	..... پیوست ۲
۸۲	..... پیوست ۳



## فهرست جدول ها

عنوان

۲۸	۱- جدول ۱-۵ (مقطع تحصیلی / حوزه ساختاری)
۳۰	۲- جدول ۲-۵ (مقطع تحصیلی / حوزه تلفظی)
۳۲	۳- جدول ۳-۵ (مقطع تحصیلی / حوزه واژگانی)
۳۴	۴- جدول ۴-۵ (جنسیت / حوزه ساختاری)
۳۶	۵- جدول ۵-۵ (جنسیت / حوزه تلفظی)
۳۸	۶- جدول ۶-۵ (جنسیت / حوزه واژگانی)
۴۰	۷- جدول ۷-۵ (طبقه اجتماعی / حوزه ساختاری)
۴۲	۸- جدول ۸-۵ (طبقه اجتماعی / حوزه تلفظی)
۴۴	۹- جدول ۹-۵ (طبقه اجتماعی / حوزه واژگانی)
۴۶	۱۰- جدول ۱۰-۵ (مقطع تحصیلی ، طبقه اجتماعی / حوزه ساختاری)
۴۸	۱۱- جدول ۱۱-۵ (مقطع تحصیلی ، طبقه اجتماعی / حوزه تلفظی)
۵۰	۱۲- جدول ۱۲-۵ (مقطع تحصیلی ، طبقه اجتماعی / حوزه واژگانی)
۵۳	۱۳- جدول ۱۳-۵ (گرایش تلفظی / مقطع تحصیلی)
۵۴	۱۴- جدول ۱۴-۵ (گرایش تلفظی / جنسیت)
۵۵	۱۵- جدول ۱۵-۵ (گرایش تلفظی / طبقه اجتماعی)
۵۷	۱۶- جدول ۱۶-۵ (گرایش واژگانی / مقطع تحصیلی)
۵۸	۱۷- جدول ۱۷-۵ (گرایش واژگانی / جنسیت)
۵۸	۱۸- جدول ۱۸-۵ (گرایش واژگانی / طبقه اجتماعی)
۵۹	۱۹- جدول ۱۹-۵ (گرایش ساختاری / مقطع تحصیلی)
۵۹	۲۰- جدول ۲۰-۵ (گرایش ساختاری / جنسیت)
۶۰	۲۱- جدول ۲۱-۵ (گرایش ساختاری / طبقه اجتماعی)

## فهرست نمودارها

عنوان

۲۸	۱- نمودار ۵-۱ (مقطع تحصیلی/ حوزه ساختاری)
۳۰	۲- نمودار ۵-۲ (مقطع تحصیلی/ حوزه تلفظی)
۳۲	۳- نمودار ۵-۳ (مقطع تحصیلی/ حوزه واژگانی)
۳۴	۴- نمودار ۵-۴ (جنسیت / حوزه ساختاری)
۳۶	۵- نمودار ۵-۵ (جنسیت / حوزه تلفظی)
۳۸	۶- نمودار ۵-۶ (جنسیت / حوزه واژگانی)
۴۰	۷- نمودار ۵-۷ (طبقه اجتماعی/ حوزه ساختاری)
۴۲	۸- نمودار ۵-۸ (طبقه اجتماعی/ حوزه تلفظی)
۴۴	۹- نمودار ۵-۹ (طبقه اجتماعی/ حوزه واژگانی)
۴۶	۱۰- نمودار ۵-۱۰ (مقطع تحصیلی، طبقه اجتماعی/ حوزه ساختاری)
۴۸	۱۱- نمودار ۵-۱۱ (مقطع تحصیلی، طبقه اجتماعی/ حوزه تلفظی)
۵۰	۱۲- نمودار ۵-۱۲ (مقطع تحصیلی، طبقه اجتماعی/ حوزه واژگانی)

### چکیده :

زبان ، رفتاری است اجتماعی که برای ایجاد ارتباط بین انسانها به وجود آمده است . عوامل اجتماعی مختلفی چون سن ، تحصیلات ، طبقه اجتماعی ، جنسیت ، شغل ، مذهب و ... بر کیفیت آن تأثیر می گذارد . پژوهش حاضر در چهار چوب کلی جامعه شناسی زبان به بررسی تأثیر و ارتباط سه متغیر غیر زبانی تحصیلات ، جنسیت و طبقه اجتماعی بر روی نوشتار فارسی دانش آموزان بابتی می پردازد . در این پایان نامه سعی شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود :

- ۱- آیا گویش بابتی بر روی نوشتار دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی تأثیر دارد ؟
  - ۲- آیا گرایشات تلفظی ، ساختاری و واژگانی در نوشتار آنها منعکس شده و فراوانی کدامیک بیشتر است ؟
  - ۳- آیا میزان تحصیلات دانش آموزان ، طبقه اجتماعی و جنسیت آنها بر روی نوشتار فارسی شان تأثیر دارد ؟
- پایان نامه ی حاضر در ۶ فصل ارائه گردیده است که شامل : کلیات تحقیق ، پیشینه نظری تحقیق ، پیشینه تحقیقات و مطالعات ، روش شناسی ، تجزیه و تحلیل داده ها و بالاخره خلاصه و نتیجه گیری می باشد . روش پژوهش ، توصیفی - تحلیلی است و کل داده ها از طریق روش میدانی و گرد آوری انشاءهای دانش آموزان در مقاطع تحصیلی مختلف با توجه به طبقه اجتماعی و جنسیت صورت گرفته است . نتایج بدست آمده نشان می دهد که تأثیر طبقه اجتماعی و مقطع تحصیلی بیشتر از تأثیر جنسیت بوده است و هر چه که به میزان تحصیلات دانش آموزان افزوده می گردید ، از میزان گرایشات ساختاری ، واژگانی و تلفظی کاسته می شد و دانش آموزان طبقه پایین خیلی بیشتر از دانش آموزان طبقه بالا از گرایشات بومی در نوشته هایشان استفاده کردند .

کلیدواژه ها : گویش بابتی ، مقطع تحصیلی ، جنسیت ، طبقه اجتماعی

## فصل اول

### کلیات تحقیق

## ۱- کلیات تحقیق

### ۱-۱- مقدمه

زبان‌شناسی، مطالعه‌ی علمی زبان طبیعی بشر است و زبان‌شناسی اجتماعی یکی از جدیدترین رشته‌های زبان‌شناسی نوین است که زبان را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و در بافت اجتماعی - فرهنگی آن بررسی می‌کند. با سعی و کوشش برخی از زبان‌شناسان ایرانی در سالهای گذشته، در ایران نیز، زبان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک رشته علمی تازه شناخته شده است.

بی‌تردید، می‌توان ادعا کرد که زبان و زبان‌شناسی وارد عصر نوینی شده است که در آن نظریه‌ها و نگرش‌های زیادی نسبت به خود دیده و شاخه‌های متنوع آن نیز مورد بررسی و کنکاش جدیدی از طرف بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته است.

از نیمه‌ی اول قرن نوزدهم که با انتشار عقاید سوسور (که پدر زبان‌شناسی نوین نام گرفت) از طرف شاگردان و مریدانش، زبان‌شناسی وارد عرصه‌ی جدیدی از زندگی پر رمز و راز خود شده است. این علم که بسیار نو پا می‌باشد، مانند هر علم دیگری نیازمند شناخت و بررسی است تا جنبه‌های مختلف و متنوع آن برای همگان روشن شود.

آنچه که زبان‌شناسان در پی بیان آن هستند در واقع نه خود زبان که دارای تعریف و توضیح خاص خود است که در واقع در تلاش برای شناسایی عملکرد زبان، شیوه‌های یادگیری، آموزش، شکل آوایی، ساختاری، نحوی و دیگر مقولات وابسته به آن می‌باشد. در این مسیر زبان‌شناسان بسیار نوشته‌اند و بحث‌ها و تحقیقات زیادی انجام شده است. از آنجایی که مسائل مربوط به زبان دارای تنوع زیادی است به طور طبیعی مطالب نوشته شده در مورد آن نیز دارای تنوع بسیار می‌باشد.

اکثریت وسیعی از کشورهای جهان بیش از یک زبان بومی دارند که درون مرزهایشان بدان تکلم می‌کنند. ایران کشوری چندزبانه است؛ و در درون مرزهای سیاسی خود اقوام مختلفی را که هر یک، فرهنگها و زبانهای خاص خود را دارند، جای داده است.

بدون شک، مطالعه در مورد هر یک از این زبانها می‌تواند مسائل مختلفی از جهت تأثیر گذاری هر یک از آنها بر یکدیگر و به ویژه تأثیر زبان فارسی، به عنوان زبان معیار، و هر یک از زبانهای محلی را روشن سازد. ایرانیان در هر کجا که هستند نام زبان اجدادیشان ایرانی است. زبان ایرانی در گستره‌ی جغرافیای فرهنگی و تاریخی خویش دارای شاخه‌های گوناگون است.

زبان تبری که به مازندرانی مشهور است؛ یکی از زبانهای کهن ایرانی و دارای قواعد و اساس و ریشه‌ی زبانی است. در گذشته برخی از نویسندگان این سرزمین آثار خود را به این زبان می‌نوشتند. اکنون به زبان تبری اشعار و سروده‌های اجتماعی، عرفانی و مذهبی زیادی از شاعران بومی در دست است. از جمله؛ اشعار امیر پازواری و رضا خراتی.

مازندرانی یکی از زبانهای محلی در شمال کشورمان است. در سالهای اخیر به سبب گرایش گویشوران این زبان به زبان فارسی که خود نتیجه برخی تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ماست، هر روزه شاهد کاهش گویشوران این زبان هستیم. برخوردی که بین جوامع زبانی رخ می‌دهد، روی هر کدام از زبانهای دیگر در فرآیند برخورد تأثیراتی خواهد گذاشت و زبان فارسی با دارا بودن موقعیت زبان رسمی و آموزشی در کشور به عنوان تنها وسیله رسمی و ارتباطی بین جوامع مختلف زبانی، از دامنه کاربرد و رشد زبانهای محلی از جمله مازندرانی کاسته است.

در حال حاضر بیشتر گویشوران مازندرانی به ویژه دانش آموزان که نسل جوان و نوجوان را تشکیل می دهند ، دو زبانه فارسی - مازندرانی هستند . یعنی در مدرسه ، در خانه و ... به زبان فارسی صحبت می کنند ولی مازندرانی را خوب می فهمند اما فقط در شوخی و یا در صحبت با افراد مُسن و یا در حد استفاده از اصطلاحات و ضرب المثلهای مازندرانی از این زبان استفاده می کنند . علیرغم صحبت به زبان فارسی تحت تاثیر محیط و اطرافیان و بزرگترها هم در گفتار و هم در نوشتار آنها آثاری از زبان مازندرانی در کلام و نوشته هایشان دیده می شود .

### ۱-۲- بیان مسأله تحقیق

به دلیل تماس و برخورد اجتماعات بشری با یکدیگر ، زبانهایشان نیز با یکدیگر تماس پیدا می کنند و برهم اثر می گذارند ، برخوردهای زبانی را می توان از جنبه های مختلفی مورد بررسی قرار داد . این برخوردها می توانند ریشه در عوامل غیر زبانی مانند نیازهای فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، سیاسی و مانند آن داشته باشد . وجود تنوع رفتارهای انسانی همراه با رخدادهای مختلف اجتماعی این مهم را به وجود می آورد که انسانها نیز همراه با این تغییرات رفتار مناسب را داشته باشند . به واسطه ی اجتماعی بودن انسان برخوردها و تماس های زبانی اجتناب ناپذیر می نماید . در واقع می توان ادعا کرد که برخوردهای زبانی ریشه در عوامل غیر زبانی مانند نیازهای فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی و ... دارد .

از آنجایی که زبان مازندرانی با زبان فارسی به دلیل موقعیت جغرافیایی همواره تماس تنگاتنگی داشته است و در گذر زمان به دلایل مختلف مانند زبرین بودن زبان فارسی به عنوان زبان معیار و رسمی کشور و همچنین به علت توریست پذیر بودن مازندان ، زبان فارسی در اکثر خانواده های مازندرانی ، جای زبان بومی آنها را گرفته است و اکنون دو زبانه های مازندرانی - فارسی جای خود را به دو زبانه های فارسی - مازندرانی داده اند . تحقیق حاضر به بررسی تاثیر گویش بابلی ( یکی از گویش های زبان مازندرانی ) بر روی نوشتار دانش آموزان این شهر در سه مقطع تحصیلی می پردازد . با توجه به اینکه نگارنده بارها شاهد تداخل های املایی و نگارشی در نوشتار دانش آموزان خود تحت تاثیر گویش های بومی بوده است ، سعی کرده در این پژوهش با استفاده از نوشتار دانش آموزان تداخل های رایج را پیدا کند و سپس آنها را در سه حوزه ی تلفظی ، ساختاری و واژگانی طبقه بندی کند سپس ، بسامد کاربرد هر یک از این حوزه ها ، با توجه به گروههای مختلف سنی ، جنسیتی و طبقه اجتماعی تعیین شده و در هر حوزه نیز پر بسامد ترین بخش مشخص گردید .

### ۱-۳- پیش فرض های تحقیق

در تدوین پژوهش حاضر پیش فرض هایی به عنوان نقطه ی شروع مد نظر نگارنده بوده است .

- پیش فرض های تحقیق حاضر به قرار زیر است :
- الف - در یک جامعه ی دو زبانه ، تداخل های تلفظی ، ساختاری ، واژگانی در گفتار افراد دو زبانه قابل مشاهده است .
  - ب - تمایل به معیار صحبت کردن یکی از عوامل مهم شکل گیری گوناگونی های زبانی است .
  - ج - یکی از عوامل تاثیر گذار بر گوناگونی های زبان ، سن است .
  - د - زنان و دختران در جامعه زبانی نسبت به مردان در رابطه به معیار سخن گفتن حساسیت بیشتری از خود نشان می دهند .
  - ه - طبقه اجتماعی بر روی گوناگونی های زبان موثر است .
  - د - میزان تحصیلات بر روی گوناگونی های زبان موثر می باشد .

### ۱-۴- پرسش های تحقیق

- چند سؤال عمده در پژوهش حاضر ، مد نظر نگارنده بوده است :
- الف - آیا گویش بابلی بر روی زبان نوشتاری دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی تاثیر دارد ؟
  - ب - آیا گرایش تلفظی ، ساختاری و واژگانی در نوشتار آنها منعکس شده و فراوانی کدامیک بیشتر است ؟
  - ج - آیا میزان تحصیلات دانش آموزان ، طبقه اجتماعی و جنسیت آنها بر روی نوشتار فارسی شان تاثیر گذار است ؟

## ۲-۱- بیان مسأله تحقیق

به دلیل تماس و برخورد اجتماعات بشری با یکدیگر، زبانهایشان نیز با یکدیگر تماس پیدا می کنند و برهم اثر می گذارند، برخورد های زبانی را می توان از جنبه های مختلفی مورد بررسی قرار داد. این برخوردها می توانند ریشه در عوامل غیر زبانی مانند نیازهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و مانند آن داشته باشد. وجود تنوع رفتارهای انسانی همراه با رخدادهای مختلف اجتماعی این مهم را به وجود می آورد که انسانها نیز همراه با این تغییرات رفتار مناسب را داشته باشند. به واسطه ی اجتماعی بودن انسان برخوردها و تماس های زبانی اجتناب ناپذیر می نماید. در واقع می توان ادعا کرد که برخوردهای زبانی ریشه در عوامل غیر زبانی مانند نیازهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و ... دارد.

از آنجایی که زبان مازندرانی با زبان فارسی به دلیل موقعیت جغرافیایی همواره تماس تنگاتنگی داشته است و در گذر زمان به دلایل مختلف مانند زبرین بودن زبان فارسی به عنوان زبان معیار و رسمی کشور و همچنین به علت توریست پذیر بودن مازندران، زبان فارسی در اکثر خانواده های مازندرانی، جای زبان بومی آنها را گرفته است و اکنون دو زبانه های مازندرانی - فارسی جای خود را به دو زبانه های فارسی - مازندرانی داده اند.

تحقیق حاضر به بررسی تاثیر گویش بابلی (یکی از گویش های زبان مازندرانی) بر روی نوشتار دانش آموزان این شهر در سه مقطع تحصیلی می پردازد. با توجه به اینکه نگارنده بارها شاهد تداخل های املائی و نگارشی در نوشتار دانش آموزان خود تحت تاثیر گویش های بومی بوده است، سعی کرده در این پژوهش با استفاده از نوشتار دانش آموزان تداخل های رایج را پیدا کند و سپس آنها را در سه حوزه ی تلفظی، ساختاری و واژگانی طبقه بندی کند سپس، بسامد کاربرد هر یک از این حوزه ها، با توجه به گروههای مختلف سنی، جنسیتی و طبقه اجتماعی تعیین شده و در هر حوزه نیز پر بسامد ترین بخش مشخص گردید.

## ۳-۱- پیش فرض های تحقیق

در تدوین پژوهش حاضر پیش فرض هایی به عنوان نقطه ی شروع مد نظر نگارنده بوده است.

پیش فرض های تحقیق حاضر به قرار زیر است:

الف - در یک جامعه ی دو زبانه، تداخل های تلفظی، ساختاری، واژگانی در گفتار افراد دو زبانه قابل

مشاهده است.

ب - تمایل به معیار صحبت کردن یکی از عوامل مهم شکل گیری گوناگونی های زبانی است.

ج - یکی از عوامل تاثیر گذار بر گوناگونی های زبان، سن است.

د - زنان و دختران در جامعه زبانی نسبت به مردان در رابطه به معیار سخن گفتن حساسیت بیشتری از خود

نشان می دهند.

ه - طبقه اجتماعی بر روی گوناگونی های زبان موثر است.

د - میزان تحصیلات بر روی گوناگونی های زبان موثر می باشد.

## ۴-۱- پرسش های تحقیق

چند سؤال عمده در پژوهش حاضر، مد نظر نگارنده بوده است:

الف - آیا گویش بابلی بر روی زبان نوشتاری دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی تاثیر دارد؟

ب - آیا گرایش های تلفظی، ساختاری و واژگانی در نوشتار آنها منعکس شده و فراوانی کدامیک بیشتر است؟

ج - آیا میزان تحصیلات دانش آموزان، طبقه اجتماعی و جنسیت آنها بر روی نوشتار فارسی شان تاثیر گذار

است؟

## ۱-۸ - منطقه مورد بررسی

## ۱-۸-۱- مازندران

استانی که امروز با نام « مازندران » کرانه‌های جنوبی دریای خزر را دربر گرفته است دارای پیشینه‌ی تاریخی کهنی است و درطول تاریخ واعصار نام‌های مختلف و گوناگون داشته است. از اقوام اصلی این سرزمین در گذشته‌های دور « آماردها » و « تیوری‌ها » بودند و نام این سرزمین یعنی « تپورستان » مأخوذ از نام قوم « تپور » است. بعدها، با حمله اعراب مسلمان « تپورستان » تغییر نام یافت و این نام تا قرن ششم و هفتم هجری قمری پیوسته معرف منطقه‌ای بود که تقریباً با محدوده‌ی فعلی مازندران منطبق است.

واژه‌ی « مازندران » نیز بر اساس مدارک و شواهد موجود قدمت دیرینه‌ای دارد. در مورد وجه تسمیه مازندران نظرات متفاوتی وجود دارد که در اینجا به نقل دو مورد از آنها می‌پردازیم.

ابن اسفندیار؛ ریشه واژه مازندران را « موزندرون » می‌داند که « موز » نام کوهی است و چون این سرزمین درون کوه موز واقع بود به این اسم شهرت یافته است. [۵۶،۲]

صادق کیا؛ معتقد است که نام مازندران از سه جزء تشکیل شده است: نخست؛ « مز » به معنی بزرگ، دوم؛ « ایندر » نام یکی از پروردگاران آریایی است که در دین مزدینا از دیوها شمرده شده و نام این دیو در اوستا « ایندرا » و در پهلوی « آندر » آمده است. سوم؛ الف و نون پسوندی که در ساختن نام جاهای بسیار به کار رفته است. [۷۶،۲۸]

## ۱-۸-۲- شهرستان بابل

شهرستان بابل محدوده‌ی نسبتاً کوچکی از سرزمین سرسبز مازندران است و از دامنه‌های شمالی و مرطوب کوه‌های سوادکوه، فیروزکوه و کینون از رشته کوه‌های البرز شروع می‌شود و جلگه نسبتاً وسیعی را دربر می‌گیرد. شهرستان بابل در ۲۱۰ کیلومتری شمال شرق تهران واقع است و از شمال به شهرستان بابلسر، از جنوب به خط الرأس کوه‌های البرز، از غرب به آمل و از شرق به قانچشهر و سوادکوه محدود می‌شود. [۲۴،۳۲]

شهر بابل در گذشته به نام‌های دیگری خوانده می‌شد:

دین تیر؛ اسم قدیم بابل، دین تیر بود و کوروش کبیر در بیانیه خود تین تیر ذکر کرده است. بیانیه کوروش که به استوانه کوروش معروف است از حفاریات بابل به دست آمد. [۱۳،۱۷]

مامطیر؛ مورخان اسلامی درباره این شهر می‌نویسند: مامطیر شهرکی است با آبهای روان و از آن حصیر خیزد سبتر و سخت نیکو که در تابستان به کار برند. مامطیر معرب شده از واژه‌ی « مه میترا » ی پارسی است و مشتق از « مه » یعنی بزرگ و « میترا » یعنی فروغ و دوستی و مهربانی و راستی است. [۵۴،۷]

بارفروش؛ ظهیرالدین در تاریخ تبرستان و رویان و مازندران می‌گوید که لشکر مغول در استرآباد و مازندران قتل به افراط کردند، چنان که توده خاک در آمل و ساری و کجور که از خرابکاری آنها پیدا شده بود هنوز (در زمان او) بر جای بوده است. اگر حال شهرهای بزرگ چنین بوده، حال شهرک‌ها معلوم است و شاید از این رو نام مامطیر برافتاد و در قرن هشتم در زمان حکومت مرعشیان نام بارفروش ده بر آن نهاده شده بود. [۵۹،۳۲]

رضاقلی میرزا در مسافرت خود به خوارزم، درباره بارفروش می‌نویسد: بارفروش در قدیم دهی بوده و بارهایی که با کشتی از حاجی ترخان (استراخان) به بندر مشهد سر می‌آوردند به آن دیه حمل و می‌فروخته‌اند. لهذا قریه موسوم به بارفروش ده شد. به تدریج جماعتی از تجار در آن ساکن شدند و آباد شد. [۷۵،۳۲]

بابل؛ در سال ۱۳۰۶ شمسی به امر رضاخان، شهر بارفروش به نام بابل خوانده شد. این نام ظاهراً از بابل رود گرفته شده که از کنار این شهر می‌گذرد. [۱۸۰،۲۳]

## ۱-۸-۳- زبان مازندرانی

## ۱-۸-۳-۱- تاریخچه مختصر زبان مازندرانی

زبانهای ایرانی به سه دوره باستان، میانه و جدید بخش شده‌اند. زبان تبری (مازندرانی) متعلق به سومین دوره‌ی زبانهای ایرانی است که خود دنباله‌ی طبیعی زبانهای ایرانی باستان و میانه است. به ویژه برخی ویژگیهای زبانشناختی و ریشه شناختی پارسی میانه (پهلوی ساسانی) و پارسی (پهلوی اشکانی) را حفظ کرده است. [۱۳۷،۳۲]



تحقیقات باستان‌شناسی و تاریخی حکایت از آن دارد که بیش از مهاجرت آریایی‌ها به سواحل جنوبی خزر، بومیانی در این ناحیه می‌زیسته‌اند. [۲۴،۳۵]

تا کنون از زبان تیره‌های محلی پیش از آریاییان هیچگونه مدرک مکتوبی به دست نیامده است اما به احتمال زیاد پس از ورود آریاییان به کرانه‌های جنوبی دریای خزر زبان تازه‌ای از ترکیب زبان آریایی و زبان بومیان منطقه پدید آمد و این دگرگونی در همه سرزمینهای محل سکونت آریاییها اتفاق افتاده است. [۱۵، مقدمه]

با ظهور زرتشت در هزار سال پیش از میلاد، زبان اوستایی که از زبانهای بسیار قدیم در مشرق ایران بود، رونق و گسترش یافت و همزمان با این زبان، زبان مادی و پارسی باستان در قسمت‌های مرکزی در غرب رایج بودند. بدین ترتیب، بعید نیست که زبان مردم تیرستان آن زمان، از همه این زبانها تأثیر پذیرفته باشد و وجود واژه‌هایی در مازندرانی امروزی که ریشه در زبان اوستایی و پارسی باستان دارند تأیید کننده این مطلب است. [۲۲،۳۹]

اما چنانچه مورخان نوشته‌اند تا پیش از حکومت ساسانیان (یعنی سال ۲۰۰ میلادی) به علت وضع جغرافیایی خاص تیرستان، پادشاهان ایرانی بر این سرزمین تسلط نداشتند و نامی از این سرزمین در کتیبه‌های باستان نیامده است و از زمان ساسانیان این ولایت تحت سلطه حکومت ایران درآمد. [۸،۳۱] به همین خاطر، تأثیر زبان پهلوی ساسانی بر زبان تبری بیش از سایر زبانها بوده است. و چه از نظر ساخت و چه واژگان شباهت زیادی بین این دو زبان وجود دارد. در زبان تبری، لغات پهلوی سره و ناب فراوان دیده می‌شود و حتی در گوشه و کنار، امکان جغرافیایی با نامهای پهلوی نیز وجود دارد. [۱۹،۱۵]

پس از ظهور اسلام، شهرهای ایران به دست مسلمانان فتح شد اما تسلط کامل اعراب بر تیرستان بنا به برخی دلایل سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی پس از حدود دو قرن تأخیر، اتفاق افتاد و به همین دلیل زبان و خط پهلوی در قرون اولیه پس از حمله اعراب در این سرزمین رایج بود. وجود سکه‌هایی که از سال ۹۲ هجری قمری تا نیمه دوم قرن دوم هجری به نام اسپهبدان تیرستان به خط پهلوی در منطقه ضرب شده‌اند و همچنین کتیبه‌هایی با خط پهلوی که یکی از آنها تاریخ سال ۴۰۰ هجری قمری را دارد، مؤید این حقیقت است. [۱۹،۳۱]

بر اساس مدارک و اسناد موجود برخی از دانشوران و سرایندگان اهل تیرستان، آثار خود را به زبان تبری می‌نوشتند. این روش تا سده ششم هجری و اندکی پس از آن ادامه داشت. اما به خاطر جریانهای تاریخی از یک سو و از سوی دیگر تفوق و برتری زبان دری، بر بقیه زبانهای اقوام ایرانی به عنوان زبان رسمی ایرانیان و همچنین به خاطر محدودیت و ویژگی جغرافیایی و ضعف اموراتصادی مردم به لحاظ وجود دولتهای دست‌نشاندهی ملوک - الطوائفی در طی قرون متأخر و نیاز اهالی تیرستان برای کسب ارتباط مستقیم در امر داد و ستد با مردمان سرزمینهای همجوار و استفاده‌ی وافر از واژگان و عبارات فقهی، دیوانی و اقتصادی و... رایج در کشور زبان تبری همانند بقیه زبانهای ایرانی از درجه‌ی اعتبار کمتری برخوردار شد. از این پس اغلب دانشوران و شاعران به غیر از عده‌ای معدود، آثار خویش را به زبان رسمی کشور تألیف می‌کردند. این عدم رغبت در تألیف آثار به زبان تبری و گرایش غالب اهل علم به زبان رسمی (ملی) و نیز علاقه به زبان دینی (عربی) موجب گشت کتابت به زبان تبری متروک گردد. با توجه به عواملی که ذکر شد و نیز عدم توانایی رسم الخط جدید در نشان دادن اصوات گوناگون سنت نوپای ادبی به زبان تبری که به تشویق و ترغیب اسپهبدان و امراء محلی تیرستان، که پس از برافتادن سلسله شاهنشاهی ساسانی ریشه گرفته بود؛ چندان نپایید و با گذشت زمان جای خود را به ادبیات شفاهی و محاوره‌ای سپرد. [۵،۳۹]

اولین اثر مکتوب به زبان تبری که خبری از آن به ما رسیده است کتاب «مرزبان‌نامه» است که در قرن چهارم هجری توسط مرزبان‌بن رستم شروین تألیف شد. امروز، تنها ترجمه فارسی آن موجود است. از اصل تبری این کتاب و همچنین اثر دیگر مؤلف با عنوان «نیکی‌نامه» اطلاعی در دست نیست.

همچنین قابوس‌نامه، که یکی از آثار ارزشمند است پارسی است، تحت تأثیر سنت‌های خاندان‌های کهن تألیف شده است. [۱۳۷،۲]

در سالهای اخیر چند نسخه خطی از ترجمه‌ی ادبیات عرب به زبان تبری و نسخه‌هایی از ترجمه و تفسیر قرآن به این زبان یافت شده است که از روی آنها می‌توان دریافت که این زبان در قرنهای نخستین پس از اسلام دارای ادبیات قابل توجهی بوده است. [۲۹۹،۳۴]

علاوه بر آن چند نسخه خطی به زبان تبری در موزه‌ها و کتابخانه‌های اروپا مشاهده شدند که درباره‌ی ادیان و مذاهب بوده و مربوط به قرن دهم هجری به بعد می‌باشند. [۲۷،۳۵]

در ضمن مجموعه‌ای از دوبیتی‌های تبری که به امیری معروف و به شاعری موسوم به «امیری پازواری»  
منسوب است در مازندران وجود داشته که برنارد دارن<sup>۱</sup>، خاورشناس روسی نسخه‌ی آنها را به دست آورده و آن را در  
سن پترزبورگ با ترجمه فارسی به چاپ رسانده است. [۲۹۹، ۳۴]

---

1- Bernard Dorn

## فصل دوم

### پیشینه ی نظری

## پیشینه نظری ۱-۲- ویژگی اجتماعی زبان ۱-۱-۲- مقدمه

از آنجائی که زبان يك پدیده اجتماعی است و پیدایش آن به زمان شکل گیری اولین اجتماعات انسانی می‌رسد ، به کارگیری آن یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی به شمار می‌رود . زبان در اجتماعات انسانی و در متن زندگی گروهی و روابط اجتماعی ، به واسطه نیاز انسانها به ارتباط با یکدیگر پدید آمد و در يك روند تحولی طولانی چند هزارساله ، شکل‌های گوناگون به خود گرفت . به همین دلیل زبان را نهادی اجتماعی دانسته‌اند که نقش آن ایجاد ارتباط است . انسان اجتماعی در مناسبات و روابط خود نیازمند نوعی وسیله ارتباطی بوده است لذا در فاصله‌ی زمانی میان روی آوردن انسان به زندگی اجتماعی و به انجام رسیدن تحولات زیستی لازم برای تولید و درک گفتار ، از نوعی زبان اشاره‌ای یا حرکتی برای پیام رسانی استفاده می‌کرده است .

برخی از دانشمندان معتقدند که اجتماعی شدن انسان و نیاز او به ارتباط ، دلیل مهمی برای تحولات زیستی انسان بوده است . طبق این نظر با پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی ، ذهن انسان به ناچار فعال‌تر و در نتیجه بر وزن و حجم مغز او افزوده گردیده است . پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی و زندگی انسان ، نظام ارتباطی دقیق‌تری را می‌طلبید ، به همین دلیل رفته رفته حرکات اشاره‌ای به حرکات اندامهای گویایی تبدیل گردید . از عواملی که در پیدایش و تحول زبان موثر بوده‌اند ، نقش عوامل اجتماعی برجسته‌تر به نظر می‌آید . [ ۲۹ ، ۳۰ ]

### ۲-۱-۲- رابطه بین زبان و جامعه

اگر به تاریخ زبانشناسی نظری بیافکنیم به ندرت می‌توان زبانی را پیدا کرد که کاملاً از تاریخ تحول آن زبان یا پراکنندگی اجتماعی و منطقه‌ای یا از ارتباطش با افراد و عقاید و اتفاقات و گویشوران و شنوندگان واقعی در دنیای واقعی به دور باشد . به همین دلیل است که تعدادی از زبان‌شناسان دیدگاه نظری زبان چامسکی را برای قبول ، مشکل می‌بینند . بین زبان و جامعه روابط احتمالی گوناگونی وجود دارد :

۱- یکی از این روابط این است که ساختار اجتماعی ممکن است هم در ساختار زبانی و هم رفتار زبانی نفوذ کرده و تعیین کننده باشد . دلیل خاص آن شاید مربوط به این دیدگاه باشد : پدیده درجه‌بندی سنی (بچه‌های کم سن ، متفاوت از بچه‌های بزرگتر صحبت می‌کنند و به نوبه ی خود ، بچه‌ها از افراد بالغ متفاوت صحبت می‌کنند) . مطالعات نشان می‌دهد که تنوع زبانی بازتاب عوامل جغرافیایی ، اجتماعی یا قومی و حتی جنسیتی می‌باشد . مطالعات دیگر نشان می‌دهد که روشهای خاص گفتگو ، انتخاب واژه‌ها و حتی قواعد مکالمه با نیازمندیهای خاص اجتماعی تعیین می‌شود .

۲- دومین رابطه احتمالی مستقیماً در مقابل اولی قرار می‌گیرد : ساختار زبانی و یا رفتار زبانی ممکن است در ساختار اجتماعی تأثیر گذاشته و تعیین کننده باشد . این دیدگاهی است که در پی نظریه ورف<sup>۱</sup> ، ادعای برنشتاین<sup>۲</sup> و آنهایی که معتقدند زبانها بیشتر از گویندگان آن زبانها می‌توانند جنسیتی باشند ، قرار دارد .

۳- رابطه‌ی سوم این است که تأثیر دوسویه است : زبان و جامعه ممکن است تحت تأثیر هم باشند . يك جنبه‌ی این دیدگاه این است که تأثیر به طور طبیعی گویشی است . (دیدگاه مارکس<sup>۳</sup> که توسط دیتمار<sup>۴</sup> ۱۹۷۶ گسترش یافت) .

1- Whorfian Hypothesis

2- Bernstein

3- Marxian

4- Dittmar